

پدیدارشناسی همسرگزینی دختران جوان در شهر مشهد

احمدرضا اصغرپور ماسوله^۱، مهدی کرمانی^۲، زهرا برادران کاشانی^۳*

چکیده

در هر جامعه‌ای برای گزینش همسر، بنابر شرایط و مقتضیات آن جامعه، معیارها و هنجارهایی وجود دارد. به بیان دیگر، همسرگزینی امری اجتماعی و تا حد زیادی تحت تأثیر ارزش‌های غالب در جامعه است. بیشتر تحقیقات انجام‌شده در این حوزه از استراتژی‌های قیاسی و روش‌های کمی برای بررسی این پدیده بهره برده‌اند؛ در صورتی که این پدیده در تجربه زیسته عاملان اجتماعی ابعاد ذهنی و مصادیق عینی متنوع و درعین حال پیچیده‌ای دارد. بر این اساس، در مطالعه حاضر سعی شده است با رویکردی پدیدارشناختی به بررسی و بازسازی معنایی همسرگزینی به‌منزله پدیده‌ای اجتماعی در میان زنان جوان پرداخته شود. این بررسی پدیدارشناسانه با مشارکت پانزده دختر جوان متأهل در شهر مشهد، که به صورت هدفمند گزینش شده بودند، انجام شد. نتایج حاصل نشان داد که به‌طور کلی سه الگوی غالب برای گزینش همسر وجود دارد که عبارت‌اند از: سبک مبتنی بر الگوهای سنتی، سبک مبتنی بر تعاملات دوستانه، سبک بینابینی (تعاملات دوستانه تحت نظارت خانواده). همچنین، معیارسازی، کنترل معیار، انطباق‌یابی، پذیرش و گزینش نهایی بیانگر ابعاد اصلی و مشترک فرایند گزینش همسر از سوی مشارکت‌کنندگان در تحقیق بوده است.

کلیدواژگان

ازدواج، پدیدارشناسی، مشهد، همسرگزینی.

asgharpour@um.ac.ir

۱. استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد

m-kermani@um.ac.ir

۲. استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد

zahra.baradarankashani@mail.um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۲۹

بیان مسئله

نهاد خانواده در سازمان‌دهی زیست‌انسانی و اجتماعی مرکزیت دارد. این نهاد به لحاظ اثرگذاری و نقش‌آفرینی در سطح فردی و ساختاری و نهادی درجه اول اولویت را دارد [۱۴، ص ۲۳]. پیوندی که نهاد مذکور را ایجاد می‌کند ازدواج نام دارد. ازدواج قراردادی اجتماعی و منشأ بقا و تولید مثل و تداوم نسل‌های مختلف بشر است. می‌توان گفت که آرامش و امنیت و سلامت یک جامعه در گرو ازدواج سالم و کانون آرام خانواده است [۱۹]. از سوی دیگر، خانواده عرصه‌ای مهم برای تبلور فرهنگ در هر جامعه‌ای است. در نتیجه، هر جا که تحلیلی درباره این نهاد اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد، بخشی از آن باید متوجه ابعاد فرهنگی آن باشد.

متناظر با ازدواج، طلاق نیز قرارداد اجتماعی مهم دیگر در ارتباط با نهاد خانواده است که عملاً در راستای فسخ رابطه زناشویی عمل می‌کند. تحولات در آمار و ارقام ازدواج و طلاق عموماً نظر محققان و سیاست‌گذاران اجتماعی را، که یکی از دغدغه‌هایشان پایداری نهاد خانواده است، متوجه خود کرده است.^۱ در این بین، پدیده اجتماعی سومی نیز وجود دارد که رخداد ازدواج، به‌طور مستقیم، و رخداد طلاق، به شکل غیرمستقیم، در ارتباط با آن است. این پدیده، که وجه نهادی پررنگی نیز دارد، فرایند همسرگزینی است [۱۲؛ ۱۸؛ ۲۰؛ ۲۳].

همسرگزینی به‌منزله یکی از مراحل رشد روانی، اجتماعی و حتی زیستی انسان، امری اجتناب‌ناپذیر است و یکی از رفتارهای مهم اجتماعی انسان برای پاسخ‌گویی به نیازهای عاطفی او به حساب می‌آید. انتخاب همسر امری ظریف و پویاست که توفیق آن مستلزم توجه به معیارهای مناسب است [۳۰]. انتخاب صحیح همسر به تشکیل خانواده سالم می‌انجامد که نخستین محیط برای جامعه‌پذیر کردن افراد است و از طریق این فرایند به انسجام اجتماعی می‌انجامد. در حالت عکس آن، یعنی انتخاب ناصحیح همسر، نهاد خانواده، بر خلاف کارکرد مثبت مورد انتظار آن، منشأ نزاع و تربیت فرزندانی منحرف و سرخورده می‌شود و حتی در بیشتر اوقات به طلاق منجر می‌شود [۳۰]. از این رو، همان‌گونه که گلاسر [۲۴] بیان می‌دارد، جوانانی که در سنین ازدواج قرار دارند، نه صرفاً احساسی، بلکه باید با شناخت دقیق از طرف مقابل و آگاهی از معیارهای ازدواج، تصمیم عاقلانه‌ای در خصوص انتخاب همسر آینده خود اتخاذ کنند، زیرا اتخاذ هر تصمیمی مستلزم پذیرش پیامدهای آن است.

مطالعات مختلفی بیانگر این واقعیت‌اند که سهمی از آمار جدایی زوجین، مستقیم یا غیرمستقیم، با انتخاب نامناسب همسر از سوی طرفین مرتبط است [رک: ۳؛ ۶؛ ۹؛ ۱۴؛ ۱۷؛

۱. مثلاً، جست‌وجو در پایگاه اطلاعاتی نورمگز نشان می‌دهد تعداد مقالات علمی- پژوهشی در طول سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵، که در عنوان آن‌ها به ازدواج اشاره شده باشد، ۶۱ مورد و مقالات علمی- پژوهشی که در عنوان آن‌ها به طلاق اشاره شده باشد، ۴۸ مورد بوده است: www.noormags.ir

۲۰؛ ۲۷]. از این رو، انجام دادن مطالعاتی که به تشریح فرایند همسرگزینی به منزله پدیده‌ای اجتماعی، که متقدم بر ازدواج و تشکیل خانواده رخ می‌دهد، حایز اهمیت است. بر این اساس، در تحقیق حاضر محققان به دنبال واکاوی همسرگزینی به مثابه پدیده‌ای اجتماعی در قالب رویکردی پدیدارشناسانه هستند. این رویکرد امکان لازم برای مواجهه با پدیده‌ای با سطح بالایی از پیچیدگی و ناپیدایی را فراهم می‌آورد. بنابراین، سؤالات اصلی محققان در این تحقیق بدین قرار خواهد بود:

۱. الگوهای اصلی همسرگزینی در جامعه هدف کدام است؟
۲. افراد مطالعه شده پدیده همسرگزینی را به چه شکلی تجربه کرده‌اند و ویژگی‌های این پدیده از نظر آن‌ها چه بوده است؟

مرور پیشینه تجربی

مجموعه متنوعی از مطالعات مرتبط با موضوع تحقیق حاضر در ایران انجام شده است که یافته‌های آن‌ها عمدتاً مؤید تغییر در الگوهای همسرگزینی و بعضاً رواج صورت‌هایی از روابط پیش از ازدواج در بین جوانان بوده است [۳؛ ۱۱؛ ۱۴]. برخی مطالعات نیز غالباً متوجه بررسی پیامدها، به ویژه پیامدهای منفی این تحولات، بر پایداری، ثبات و سلامت نهاد خانواده بوده‌اند [۹؛ ۱۰].

عظیمی هاشمی، کاری، بیگناه و رضامنش [۱۷] در پژوهشی به بررسی ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای کنش جوانان در خصوص همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج پرداخته‌اند. روش اصلی در این پژوهش کمی-پیمایشی بوده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که حدود ۵۴ درصد افراد مطالعه شده تعاملات معمولی (تعامل تلفنی یا حضوری با رعایت حدود شرعی) و ۴۶ درصد تعامل فراتر از حدود شرعی را می‌پذیرند. همچنین، حدود یک‌سوم نسل جوان امروز دوستی دو جنس مخالف را نمی‌پذیرند. علاوه بر این، یافته‌ها نشان داد که افزایش تحصیلات در پذیرش رابطه دوستی بدون قصد ازدواج اثر فزاینده دارد.

حاله، ماکویی و دباغی [۶] در پژوهشی با عنوان «ارائه مدل ریاضی (بر مبنای تصمیم‌گیری چندمعیاره) و نرم‌افزار برای کمک به تصمیم‌گیری در خصوص انتخاب همسر»، به بررسی ریشه مسائل و مشکلات مربوط به ازدواج، که انتخاب نادرست طرف مقابل است، پرداخته‌اند که در نهایت به طلاق منجر می‌شود. در این مقاله، ضرورت ازدواج، اهمیت انتخاب همسر و تأثیر آن بر زندگی افراد و فرایند تصمیم‌گیری نیز مورد بحث قرار گرفته است. هدف اصلی این تحقیق مدلی نرم‌افزاری برای ازدواج بوده است تا امکان لازم برای انتخاب مناسب‌ترین گزینه برای ازدواج را فراهم کند. روش این پژوهش فنون و تکنیک‌های تصمیم‌گیری، بالاخص روش‌ها تصمیم‌گیری چندمعیاره، بوده است. یافته‌های این پژوهش در قالب نرم‌افزاری برای استفاده در

مراکز مشاوره به‌منزله ایزاری جانبی برای تسهیل فرایند تصمیم‌گیری در انتخاب بهترین گزینه به‌عنوان همسر پیشنهاد شده است.

کاظمی‌پور [۲۱] در پژوهشی دیگر با عنوان «سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواج‌های دانشجویی» به بررسی و شناسایی نگرش جوانان به مسئله ازدواج، شناخت مسائل و مشکلات آن‌ها در امر ازدواج، به‌خصوص ازدواج‌های دانشجویی، پرداخته‌اند. روش این پژوهش، مطالعه اسنادی و پیمایش توصیفی بوده است. همچنین، جامعه آماری در این بررسی همه جوانان ۱۸-۳۵ سال ساکن در مراکز استان‌های کشور بوده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که سن متوسط ازدواج جوانان متأهل کمتر از سن مورد تقاضای جوانان مجرد برای ازدواج است. همچنین، تنگناهای اقتصادی یکی از مسائل و مشکلات ازدواج جوانان بوده است.

آپوستولو [۳۵] در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر و نفوذ تصمیمات والدین بر الگوی همسرگزینی و تنظیم روابط جنسی فرزندان پرداخته است. این پژوهش بر نمونه‌ای ۱۹۰ نفره و در قالب پیمایشی کمی انجام شد. نتایج نشان‌دهنده نفوذ مؤثر و معنادار والدین بر انتخاب همسر از سوی فرزندان بوده است. همچنین، براساس بخش دیگری از یافته‌ها حتی بعد از ازدواج نیز پدر و مادر بر چگونگی تنظیم روابط زناشویی فرزندان و از جمله بچه‌دار شدن دختر و پسر نفوذ داشته‌اند.

خالد [۳۷] در مطالعه خود تأثیر عامل جنسیت، پایگاه اقتصادی اجتماعی و فرهنگ بر انتخاب همسر بین دانشجویان اردنی را بررسی کرده است. نتایج مطالعه نشان داد که در اردن مردان جوان نسبت به دختران تمایل بالقوه بیشتری برای یافتن زوجی با شرایط مشابه خود دارند. در مقابل آنچه برای زنان در ازدواج اهمیت دارد، توانایی اقتصادی و تعهد مردان است. همچنین، عشق و محبت در میان‌های دانشجویان زن و مرد اردنی به‌طور مشترک در همسرگزینی اهمیت زیادی داشته است.

«معیارهای انتخاب همسر در میان دانشجویان کارشناسی ارشد در مالزی» عنوان مطالعه‌ای از علوی، الله‌داد و شافق [۳۴] است که به صورت کیفی و با کمک مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۳۰ دانشجو انجام شده است. محققان معیارهای به‌دست‌آمده را در سه دسته طبقه‌بندی کرده‌اند. معیارهای بسیار مهم شامل: دین، سلامت روان، شغل، جذابیت فیزیکی و وضعیت مالی؛ معیارهای مهم شامل: هوش، جامعه‌پذیری، سلامت جسمانی، تهذیب و تزکیه و خالص بودن، ظاهر فیزیکی، شخصیت، تحصیلات، عفت و درنهایت معیارهای نسبتاً مهم شامل: موقعیت اجتماعی مطلوب، فرهنگ، تناسب اجتماعی خانواده‌ها، وضعیت تأهل و سن است.

سامانی و ریان [۴۰] نیز در تحقیقی با رویکرد کمی از یک‌سو به بررسی اهمیت و تفاوت معیارهای انتخاب همسر در میان جوانان مجرد و متأهل ایرانی و از سوی دیگر تفاوت در معیار

سن در انتخاب همسر بین افراد مجرد و متأهل پرداخته‌اند. نمونه بررسی شده در این تحقیق ۱۰۴ فرد ازدواج کرده شامل ۴۹ مرد و ۵۵ زن و ۱۱۲ فرد مجرد، شامل ۵۱ مرد و ۶۱ زن، بوده است. نتایج این تحقیق نشان داد که به‌طور کلی چهار معیار مهم برای انتخاب همسر در میان زنان و مردان متأهل و مجرد وجود دارد که عبارت‌اند از: عفت و پاک‌دامنی، تعهد، تقوا و سلامتی. همچنین، این تحقیق نشان داد که تجربه ازدواج برای مردان متأهل بلوغ و منزلت اجتماعی آن‌ها را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، نتایج نشان داد که تجربه ازدواج برای زنان باعث کاهش توانایی‌های اجتماعی، خانه‌داری و استقلال آن‌ها می‌شود. به‌طور کلی، می‌توان گفت داشتن یک شغل خوب برای مرد به‌منزله معیاری مهم از سوی زن در نظر گرفته می‌شود. همچنین ظاهر فیزیکی زن نیز برای مردان معیاری مهم است.

چارچوب مفهومی

در تحقیقات کیفی، عموماً از چارچوب مفهومی استفاده می‌کنند. در واقع، در روش‌شناسی کیفی از نظریه‌ها و رویکردهای مختلف نظری به شیوه‌های متفاوت از روش اثبات‌گرایانه استفاده می‌شود. براساس این مفهوم، محقق باید بتواند به جریان‌ها، مفاهیم و رویدادهای اصلی مرتبط با موضوع تحت مطالعه حساس باشد و برانگیخته شود. بازنگری و توجه کلی به نظریه‌های مرتبط، عامل اساسی در ایجاد حساسیت نظری در محقق کیفی است. بنابراین، نظریه‌ها می‌توانند راهنمای عمومی پژوهش‌های کیفی باشند [۲۷، ص ۳۷-۳۸].

همسرگزینی

از منظر مینگ تسای، همسرگزینی و ازدواج یکی از اعمال و انتخاب‌های حساس و جدی برای یک رابطه بلندمدت است که در زندگی هر فردی اتفاق می‌افتد [۳۸].

نظریه همسان‌همسری

یکی از دیدگاه‌های اصلی در خصوص انتخاب همسر، نظریه همسان‌همسری است. همسان‌همسری از دیدگاه بیرکلند و هلدال معمولاً به ازدواج بین همسران از یک گروه اجتماعی یکسان اشاره دارد [۳۵، ص ۲]. براساس این اصل، افرادی که درصدد ازدواج برمی‌آیند، معمولاً کسی را برای همسری برمی‌گزینند که بیشترین سطح همسانی و مشابهت را با آن‌ها داشته باشد [۴، ص ۳۸]. همسان‌همسری به‌وسیله زمینه اجتماعی، گروه نژادی، گروه دینی، پراکندگی منطقه‌ای، جمعیت‌شناختی یا اجتماعی، پیشرفت تحصیلی، گروه منزلتی یا طبقه اجتماعی فرد تعیین می‌شود [۳۵، ص ۳]. بنابراین، افراد مشابه از لحاظ سن، نژاد، مذهب، ملیت، تحصیلات، هوش، سلامت، منزلت، نگرش و... به‌گزینش یکدیگر برای ازدواج تمایل دارند.

نظریه ناهمسان‌همسری

در این نظریه، فرضیه اصلی این است که در مورد همسرگزینی الگوی احتیاجات هر همسر متمم و مکمل الگوی احتیاجات همسر دیگر و نه مشابه آن است [۲۵]. در واقع، این نه شباهت و همسانی، بلکه بی‌شباهتی و ناهمسانی در صفات تکمیل‌کننده است و افراد را به وصلت با یکدیگر وامی‌دارد [۱۵، ص ۴۲]. بر مبنای این نظریه، اگر یکی از این دو نفر در فرایند ازدواج منشی چیره‌گر و دیگری منشی چیره‌پذیر داشته باشد، آن‌ها خواهند توانست با یکدیگر وصلت کنند و ازدواج می‌تواند برای آنان خرسندکننده باشد. حال آنکه اگر هر دوی ایشان از منشی یگانه برخوردار باشند، گمان نمی‌رود که به سوی یکدیگر گرایش پیدا کنند، در واقع، در این وضعیت اگر وصلت می‌تواند بیفتد، به احتمال زیاد ناموفق خواهد بود [۵، ص ۴۴].

نظریه انتخاب عاقلانه دانیل لیتل

طبق این نظریه، آدمیان مخلوقات عالم و دارای هدف و نیت مشخص هستند، که فعلشان مسبوق به دلیل و سنجش عاقلانه است. این نظریه اغراض و معتقدات افراد را اصل قرار می‌دهد و بر مبنای آن تحلیلی از تصمیم‌گیری سنجیده و عاقلانه به دست می‌دهد [۲۶، ص ۶۳]. انسان‌ها هرگاه در چندراهی دچار مشکل انتخاب و تصمیم‌گیری می‌شوند، راهی را برمی‌گزینند که مناسب‌ترین، عاقلانه‌ترین و سنجیده‌ترین راه برای رسیدن به هدف باشد. بر این اساس، وقتی فرد در عرصه‌های مختلف انتخاب قرار می‌گیرد، سعی می‌کند از میان موارد متعدد شقی را انتخاب کند که بیشترین مزیت و فایده و کمترین هزینه را داشته باشد [۲۶، ص ۹]. بر مبنای نظریه انتخاب عاقلانه می‌توان گفت که افراد در گزینش همسر نیز بر پایه فایده‌سنجی و اولویت‌بندی خود عمل می‌کنند. به عبارت دیگر، ابتدا مزیت‌های انتخاب خود را شناسایی می‌کند و بعد براساس هزینه و فایده هر مورد دست به گزینش می‌زند.

دیدگاه اسلام درباره همسرگزینی

الگوی همسرگزینی مطلوب از دیدگاه اسلامی را می‌توان بر پایه معیارهای صریح یا ضمنی مطرح‌شده برای انتخاب همسر در قرآن کریم و متون روایی مختلف ترسیم کرد. حسین‌خانی نایینی [۷] شش دسته کلی از این معیارها را نام می‌برد که شامل دین‌داری و ایمان، ارزش‌های اخلاقی، خصوصیات جسمانی، صلاحیت خانوادگی، خصوصیات اقتصادی و ویژگی‌های اجتماعی است. در نگاه جامعی به این معیارها، صورتی از همسان همسرگزینی تحت قاعده «کفویت» مورد توجه و تأکید قرار گرفته است.

به‌طور خلاصه، برخی از گزاره‌های اساسی در رویکرد اسلام به همسرگزینی بدین قرارند:
 - اولویت همسانی به معنای هماهنگی در دین‌داری به جای همسانی در عواملی همچون نژاد، منزلت اقتصادی و اجتماعی و نظایر این‌ها؛

- تعریف ویژگی‌های فراگیر و بعضاً مطلق بر همسر شایسته از منظر اسلامی و نفی نسبی بودن معیارهای مربوط به همسرگزینی؛
- نفی نگاه منفعت‌طلبانه و مادی به فرایند همسرگزینی و اولویت‌دهی به پیامدهای معنوی آن برای طرفین [۸].

روش تحقیق

گزینش همسر به روش پدیدارشناسی تجربی مطالعه شده است. پیش‌فرض اصلی پدیدارشناسی این است که دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، در آگاهی ما خلق شده است [۲۲، ص ۱۲۴]. اصطلاح پدیدارشناسی از نظر هوسرل، کار توصیف، اکتشاف، تجزیه و تحلیل پدیدارهاست [۱]. در واقع، در پدیدارشناسی پدیده مطالعه‌شده براساس ذهنیت افراد و معنایی که افراد به‌طور کلی از آن پدیده دارند، بررسی می‌شود. به عبارت دیگر، پدیدارشناسی تجربی متکی به تجربه زیسته است [۲] و به دنبال این است که دریابد افراد چگونه دنیای فردی و اجتماعی خود را می‌سازند [۴۱، ص ۵۳]. در فرایند مطالعه پدیدارشناسی، پس از اینکه پدیده مطالعه‌شده انتخاب شد، محقق به گردآوری داده‌ها از اشخاصی که تجربه آن موضوع را دارند می‌پردازد. سپس به بسط ترکیبی توصیفی از جوهر و ماهیت تجربه می‌پردازد. این توصیف شامل دو پرسش است: اینکه چه چیزی و چگونه تجربه شده است؟ [۳۹، ص ۲۱].

در این پژوهش، پدیده همسرگزینی به همان صورت که در آگاهی کنش‌گران ظاهر می‌شود، بررسی شده است. بنابراین، هدف اصلی پدیدارشناسی همسرگزینی، کشف ذات این پدیده یا معنای نهفته از این پدیده در تجارب زیسته کنش‌گران است. در تحقیق حاضر، پدیدارشناسی تجربی همسرگزینی با رویکرد پدیدارشناسی تجربی اسپرز و گرانوالد [۲۹؛ ۳۲؛ ۳۳] در هفت مرحله انجام شده است:

۱. تعریف مسئله و تدوین هدف اساسی تحقیق که در نوشتار حاضر شناسایی پدیدار اجتماعی همسرگزینی و کشف معانی نهفته در تجربه گزینش همسر بوده است.
۲. انجام پیش‌مطالعه که در این پژوهش از طریق مصاحبه‌های اکتشافی با دختران متأهل ۲۰ تا ۳۰ ساله انجام شده است.

۳. انتخاب یک نظریه و تدوین چارچوب مفهومی پدیده همسرگزینی

۴. مطالعه ساخت اول پدیده همسرگزینی که طی مراحل ذیل انجام می‌شود:

الف) تعلیق و در پرانتز گذاشتن چارچوب مفهومی همسرگزینی؛

ب) انتخاب هدفمند مشارکت‌کنندگان، که بر این اساس ۱۵ دختر متأهل انتخاب شدند

(جدول ۱). شرط‌های پژوهش برای انتخاب این دختران به قرار زیر بوده است:

- در رده سنی ۲۰ تا ۳۰ سال باشند؛

- تحصیلات آن‌ها به تناسب از دیپلم تا دکتری متغیر باشد؛

- و در نهایت اینکه از گونه مختلف آشنایی (سننی- خانوادگی، دوستی، آشنایی در چارچوب) برای همسرگزینی استفاده کرده باشند.

جدول ۱. مشخصات زمینه‌ای پاسخ‌گویان

ردیف	نام	تحصیلات	سن	الگوی انتخاب همسر ^۱
۱	فاطمه	کارشناسی	۲۱	بینابینی (دوستی تحت نظارت خانواده)
۲	زهرا	کارشناسی ارشد	۲۲	بینابینی (دوستی تحت نظارت خانواده)
۳	عاطفه	کارشناسی ارشد	۲۷	تعاملات دوستانه
۴	لیلا	کارشناسی ارشد	۲۹	تعاملات دوستانه
۵	عطیه	کارشناسی	۲۲	تعاملات دوستانه
۶	سمیرا	فوق دیپلم	۲۳	سنتی
۷	مهلا	کارشناسی	۲۱	سنتی
۸	سحر	کارشناسی	۲۵	بینابینی (دوستی تحت نظارت خانواده)
۹	سمانه	دیپلم	۲۷	سنتی
۱۰	پروانه	دکتری	۳۰	سنتی
۱۱	سمیه	کارشناسی	۲۲	سنتی
۱۲	منصوره	دیپلم	۲۸	سنتی
۱۳	منیره	دیپلم	۲۶	سنتی
۱۴	مریم	فوق دیپلم	۲۴	بینابینی (دوستی تحت نظارت خانواده)
۱۵	راحله	کارشناسی	۲۵	سنتی

تعیین محورهای مصاحبه با مشارکت‌کنندگان در زمینه همسرگزینی که شامل سؤالات کلی درباره فرایند انتخاب همسر، مدت آشنایی، تعداد خواستگاران که به‌طور جدی دختر با آنان در مورد ازدواج حرف زده است، نظر خانواده‌ها در مورد خواستگاران دختر، فرایند تحقیق‌کردن در مورد پسر، معیارهای که هر دختر در انتخاب همسر مد نظر دارد، چگونگی بررسی معیارهای انتخاب همسر و درنهایت نحوه گزینش و انتخاب همسر در نظر کنش‌گر بوده است.

- مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت‌یافته با مشارکت‌کنندگان در زمان‌های طولانی و در صورت لزوم پرسش از دیگران در مورد نحوه انتخاب همسر برای پاسخ‌گو؛

- ضبط مصاحبه‌ها و نگارش دقیق متن آن‌ها؛

- استخراج و کدگذاری واحدهای معنایی همسرگزینی: در این مرحله ابتدا متن مصاحبه‌ها در نرم‌افزار مکس کیودی‌ای^۲ وارد شد و سپس واحدهای معنایی مرتبه دوم از طریق کدگذاری باز استخراج شد.

- موضوع‌بندی و مقوله‌بندی واحدهای معنایی همسرگزینی از طریق کدگذاری محوری و گزینشی متن همه مصاحبه‌ها: در این گام همه واحدهای معنایی که یک مفهوم را می‌رسانند

۱. الگوهای سه‌گانه ازدواج ماحصل مطالعات اکتشافی محققان در موضوع بند شماره دو از مراحل پدیدارشناسی در این مطالعه است.

ذیل مفهومی کلی تر قرار گرفتند و سپس در سطوح انتزاعی تر همه مقولات محوری که یک مفهوم را می‌رسانند در ذیل مفهومی گزینشی کلی تر جای گرفتند.

- استخراج واحدهای معنایی مرتبه اول از همه مصاحبه‌ها و ایجاد ترکیبی کوتاه و مختصر^۱. در این گام، ویژگی‌های تعمیمی و تفریدی انواع روش‌های همسرگزینی آشکار شد.

۵. ایجاد ساخت مرتبه دوم همسرگزینی

ساخت مرتبه دوم همسرگزینی بر پایه ویژگی‌های تعمیمی و تفریدی همسرگزینی در تجربه کنش‌گران در فرایند تصمیم‌گیری و گزینش همسر انجام گرفته است.

۶. بررسی واکنش‌های پیش‌بینی‌نشده مشارکت‌کنندگان

نکته درخور تأمل در این مرحله، ابهام در آگاهی و بینش کنش‌گران در مورد نحوه انتخاب همسر، همچنین نارضایتی‌هایی که بعضاً از روش همسرگزینی برای خودشان داشتند و نیز سوگیری‌های کلیشه‌ای در مورد ضعف‌هایی که در انواع روش‌های انتخاب همسر وجود دارد است.

۷. مرتبط کردن ساخت مرتبه دوم همسرگزینی با چارچوب مفهومی همسرگزینی

در این مرحله، بین استنتاجات مربوط به پدیدارشناسی، تجارب کنش‌گران از فرایند همسرگزینی و چارچوب نظری همسرگزینی ارتباط برقرار شد.

یافته‌ها

بخش نخست: یافته‌های مربوط به پرسش نخست تحقیق

یک پرسش مهم برای محققان در مرحله اکتشافی تحقیق حاضر این بوده است که خانم‌های بررسی شده به چه سبکی ازدواج کرده بودند. واکاوی متن مصاحبه‌ها به شناسایی سه سبک همسرگزینی به قرار مندرج در جدول ۲ منجر شده است.

جدول ۲. الگوهای سه‌گانه

ردیف	نمونه مفاهیم	سبک ازدواج
۱	- اولین آشنایی در منزل با حضور خانواده‌ها - صحبت‌نکردن در مورد مسائل جنسی پیش از ازدواج - ایجادنشدن علاقه در فضای خواستگاری - توجه به دارایی‌های پسر از سوی دختر و خانواده وی - صحبت‌نکردن در مورد مسائل عاطفی پیش از ازدواج	سبک مبتنی بر الگوهای سنتی

۱. مطالعه ساخت مرتبه اول با توجه به مقاله «طرح تحقیق پدیدارشناسی» از گرانوالد [۲۶، ص ۲۱]. در این گام توجه به موضوعات عمومی در بیشتر یا همه مصاحبه‌ها در کنار تفاوت‌های فردی مورد نظر قرار می‌گیرد [۲۸، ص ۲۱].

ردیف	نمونه مفاهیم	سبک ازدواج
۲	- رابطه شدید عاطفی - گذشتن از معیارها به خاطر علاقه - تماس جسمی- جنسی پیش از ازدواج - صحبت‌ها و مراودات طولانی بدون اطلاع خانواده	سبک مبتنی بر تعاملات دوستانه
۳	- صحبت و مراوده بیرون منزل با اطلاع خانواده‌ها - آشنایی در محیط‌های رسمی یا عمومی مثل دانشگاه - رابطه عاطفی کنترل‌شده	سبک بینابینی (تعاملات دوستانه تحت نظارت خانواده)

سبک مبتنی بر الگوهای سنتی

سبک مبتنی بر الگوهای سنتی به این شکل بوده است که ابتدا خانواده پسر با منزل دختر تماس می‌گیرند و مشخصات پسر اعم از تحصیلات، وضعیت مالی، قد، شغل، شغل پدر پسر، مسائل مذهبی، اصالت، محل سکونت و در مواردی وزن پسر را می‌گویند و متقابلاً همین موارد را از خانواده دختر می‌پرسند و بعد به منزل دختر می‌آیند. عموماً جلسه اول پسر حضور ندارد و خانواده پسر فقط دختر را می‌بینند و جلسه بعد همراه پسر می‌آیند. در این سبک، دختر و پسر آشنایی زیادی با یکدیگر ندارند و در فضای منزل باهم صحبت می‌کنند و اگر به خارج منزل هم بروند، عموماً با خانواده‌ها می‌روند. در این مدل، چون خانواده‌ها درگیرند، دختر و پسر زمان کوتاه‌تری برای آشنایی قبل از ازدواج دارند (طبق یافته‌ها حداکثر دو ماه). همچنین، نکته درخور توجه در این مدل این است که دختر و پسر درباره مسائل جنسی با یکدیگر صحبت نمی‌کنند، یا اگر صحبت کنند، به علت قبحی که این مسئله دارد، آن را شفاف توضیح نمی‌دهند و از سوی دیگر دچار رابطه عاطفی نمی‌شوند و اصولاً اصطلاح «عشق پس از ازدواج» را به کار می‌برند.

زهرا در این زمینه گفت:

مدل خواستگارهام این بود که یکی از یک جایی شماره می‌گرفت، می‌گفت خوب پسر ما اینه با این تحصیلات و این شغل این قد و مامان من هم می‌گفت دخترم تحصیلات و کارش اینه، قدش هم اینه...

پروانه نیز در این باره اظهار داشت:

من هیچ علاقه‌ای بهش نداشتم، اما بعد از دو هفته بهش علاقه‌مند شدم. من این سبک رو می‌پسندم.

سبک مبتنی بر تعاملات دوستانه

در این مدل از ازدواج، دختر و پسر ابتدا در محیط‌های مختلف یکدیگر را می‌بینند و دچار چیزی که به گفته خودشان «عشق در یک نگاه» نام دارد، می‌شوند و رابطه‌ای طولانی‌مدت را، بدون اطلاع خانواده‌ها، پیش می‌برند و بعد از مدت نامعلومی، خانواده‌ها را در جریان قرار

می‌دهند و ازدواج می‌کنند. نکته درخور توجه در این سبک این است که دختر و پسر پس از گذشت مدتی از رابطه‌شان، به علت عاطفه شدیدی که به یکدیگر پیدا می‌کنند، احتمالاً رابطه جسمی-جنسی با یکدیگر برقرار می‌کنند.
لیلا در این باره گفت:

من شونه‌اش به شونه‌ام می‌خورد بدنم می‌لرزید... وقتی آدم‌ها به لحاظ قلبی به هم متعهد هستند، نمی‌تونن از هم جدا بشن و نمی‌تونن به هم نزدیک نشن. نمی‌تونن خودشون رو کنترل کنن.

سبک بینابینی (تعاملات دوستانه تحت نظارت خانواده)

فرایند این سبک به این شکل است که ابتدا دختر و پسر یکدیگر را در فضای دانشگاه یا فضاهای کاری می‌بینند و تا حدی به لحاظ عاطفی درگیر می‌شوند و در مرحله بعد به فاصله کوتاهی خانواده‌ها در جریان این رابطه قرار می‌گیرند و به شکل رسمی خواستگاری انجام می‌شود. در این سبک، دختر و پسر حداقل شش ماه با یکدیگر تعامل می‌کنند و در رابطه هستند و ساعت‌های طولانی در فضاهایی غیرمنزل و بدون حضور خانواده صحبت می‌کنند و البته به لحاظ عاطفی هم درگیر می‌شوند، اما این رابطه عاطفی را کنترل می‌کنند و رابطه جسمی با یکدیگر برقرار نمی‌کنند. عبارت زیر نشان‌دهنده این نوع رابطه است.
فاطمه در این باره اظهار داشت:

دوست نداشتم دوست بشم، ولی دوست داشتم رابطه باید زیر نظر خانواده باشه. تو این موارد در حد و حدود شرعی هیچ اشکالی نداره رابطه در چارچوب خانواده. جریان ازدواج من نزدیک یک سال طول کشید.

بخش دوم: یافته‌های مربوط به پرسش دوم تحقیق

واحدهای معنایی و موضوعات اصلی پدیده همسرگزینی

گام نخست در فرایند تحلیل متن (همسرگزینی)، استخراج واحدهای معنایی دسته اول و دسته دوم و سپس شناسایی معانی مشترک یا تشخیص موضوعات مرکزی آنهاست. نتایج حاصل از این مرحله در جدول ۳ درج شده است. به‌طور کلی، می‌توان گفت در تجربه ذهنی خانم‌های مطالعه‌شده از پدیده همسرگزینی، ۴۲ واحد معنای دسته اول وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به جلب محبت، احساس همدلی، درک متقابل، ارتباط حسی مؤثر، حسن توجه، اعتماد متقابل، توازن تحصیلات، راست‌گویی، آراستگی، زیبایی، روابط جنسی، تحقیقات خانوادگی، مشاوره، توافق و عادت و... اشاره کرد. همچنین، واحدهای معنایی دسته دوم و واحدهای معنایی دسته اول درباره تجربه ذهنی پدیده همسرگزینی در افراد مطالعه‌شده را می‌توان تحت پنج مفهوم مرکزی دسته‌بندی کرد که این مفاهیم مرکزی «معیارسازی»، «کنترل معیار»، «انطباق‌یابی معیار»، «پذیرش» و «گزینش» هستند.

جدول ۳. واحدهای معنایی دسته دوم و دسته اول و مفاهیم مرکزی تجربه همسرگزینی

واحد‌های معنایی دسته دوم	واحد‌های معنایی دسته اول	مفهوم مرکزی
احساس عشق دوطرفه علاقه زیاد دختر به عاشق شدن قبل از ازدواج اهمیت زیبایی ظاهری در انتخاب همسر نوع چشم‌های پسر، توجه به دستان پسر گرمی و سردی به لحاظ جنسی تعداد فرزند/ تربیت فرزند	جلب محبت زیبایی ظاهر روابط جنسی	معیارسازی ^۱
بیرون رفتن/ پیاده روی دوطرفه صحبت کردن دختر و پسر در خانه/ دانشگاه چک کردن اینستاگرام پسر پرس و جو از دوستان و آشنایان پسر رفتن به محل کار و محل زندگی پسر از سوی پدر صحبت کردن پدر با خواستگار دختر مشاوره پیش از ازدواج، تست شخصیت آزمایش خون، آزمایش ژنتیک	مبتنی بر گفت‌وگو مبتنی بر کندوکاوهای شخصی مبتنی بر تحقیقات خانوادگی مبتنی بر بررسی‌های رسمی (مشاوره و آزمایش)	کنترل معیار
تعدیل خواسته‌ها بر مبنای خواسته طرف شبیه شدن دختر و پسر در جریان گفت‌وگو کنار آمدن دختر و پسر با تفاوت‌های موجود نماز خواندن دختر/ کنار آمدن پسر با حجاب دختر تصمیم‌گیری یک‌طرفه در مورد رابطه خانه و ماشین نداشتن علت جواب منفی	مبتنی بر بده و بستان مبتنی بر صرف نظر کردن (کوتاه آمدن) مبتنی بر اعمال نظر یک‌طرفه	انطباق‌یابی معیار
جواب مثبت به پسر به دلیل احساس عشق وجود عشق دوطرفه پذیرش خانواده‌ها تأیید پسر از طرف دختر ازدواج به خاطر مصاحبت کردن با پسر ازدواج به علت درخواست خانواده از دختر	مبتنی بر علاقه مبتنی بر توافق مبتنی بر عادت	پذیرش (شرایط)
انتخاب یک نفر برای همه عمر ازدواج به شرط قبول مانتویی بودن دختر ازدواج به شرط قبول نماز نخواندن پسر	فراگیر ^۲ محدود	گزینش نهایی

۱. براساس یافته‌ها، در گام اول که معیارسازی است، ۲۹ دسته معیار به دست آمد که به علت حجم زیاد مفاهیم فقط سه مورد آن در جدول قالب واحدهای معنایی دسته اول و دسته دوم آمده است. سایر معیارها عبارت‌اند از: احساس همدلی، حسن توجه، درک متقابل، ارتباط حسی مؤثر، دست و دل بازی، شأنیت اجتماعی، توازن تحصیلی، خوش خلقی، راست‌گویی، اعتماد متقابل، آداب‌دانی (در مراودات اجتماعی)، پختگی در شخصیت، آراستگی ظاهر، خوش‌اندami، اشتراک در ارزش‌ها، تقید متوازن مذهبی، شغل پردرآمد، شغل آبرومند، دارایی‌های شخصی، تمکن مادی خانوادگی، استقلال مادی، ترکیب جنسی شبکه دوستی، میزان و شدت روابط دوستانه، تعامل مبتنی بر احترام، اختلاف سنی، محبت نسبت به خانواده همسر.
۲. خصلت فراگیر و محدود در ازدواج بیش از همه ناظر بر وجه زمانی ازدواج است؛ درعین حال می‌تواند دربرگیرنده دربرگیرنده وجوه دیگری از قبیل تعلقات مادی، عاطفی، جنسی و... نیز باشد.

وجوه تفریدی و تعمیمی تجربه‌های پدیده همسرگزینی

وجوه تعمیمی (اشتراک) و تفریدی (افتراق)، که مرحله پنجم فرایند پدیدارشناسی است، در رابطه با تجربه پدیده همسرگزینی بین افراد مطالعه‌شده در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴. وجوه تعمیمی و تفریدی تجربه ذهنی پدیده همسرگزینی

وجوه تعمیمی (اشتراک)	وجوه تفریدی (افتراق)
معیارسازی	ترکیب معیارها
کنترل معیار	شیوه‌های کنترل معیار
انطباق‌یابی معیار	الگوهای انطباق‌یابی معیار
پذیرش	نوع پذیرش
گزینش	استراتژی‌های گزینش

از وجوه مهم افتراق تجربه ذهنی پدیده همسرگزینی در حوزه معیارسازی، شیوه ترکیب و نوع ترکیب معیارها در سبک‌های مختلف همسرگزینی است. در حوزه کنترل معیار نیز، وجه افتراقی شیوه‌های کنترل معیارهاست که این نیز در هر سبک ازدواج به گونه‌ای متفاوت است. همچنین، می‌توان گفت که الگوهای مختلفی برای انطباق‌یابی معیارها در سبک‌های مبتنی بر الگوهای سنتی و تعاملات دوستانه و الگوی بینابینی وجود دارد. در گام پذیرش نیز، استراتژی‌های مختلفی از سوی افراد برای پذیرش وجود دارد که می‌تواند مبتنی بر علاقه، توافق و مبتنی بر عادت باشد. گزینش نیز به دو گونه در سبک‌های مختلف انتخاب همسر انجام می‌شود. همچنین، می‌توان گفت در هر سه سبک همسرگزینی، مراحل معیارسازی، کنترل معیار، انطباق‌یابی معیار، گزینش و پذیرش به‌منزله وجوه تعمیمی وجود دارد. وجه تعمیمی آن‌ها به این دلیل است که در هر سه سبک مبتنی بر الگوهای سنتی، تعاملات دوستانه و بینابینی وجود دارند (برای اطلاع از استراتژی‌های موجود در هر مرحله به جدول ۳ مراجعه شود).

معیارسازی

معیارسازی اولین گام در همسرگزینی است که همه افراد (در این مطالعه خانم‌های متأهل) از این مرحله عبور می‌کنند. در این گام، معیارهای افراد برای انتخاب همسر مورد نظرشان مشخص می‌شود. به‌طور کلی، می‌توان گفت که همه افراد برای گزینش همسر معیارهایی دارند که اگر فردی را مطابق با آن معیارها پیدا کنند، ازدواج می‌کنند. در پژوهش حاضر با مصاحبه‌های عمیق از ۱۵ خانم متأهل ۲۹ دسته‌معیار شناسایی شده است که در ادامه به شکل گزینشی ۳ مورد آن تحلیل می‌شود (جدول ۳).

۱. جلب محبت

همه مصاحبه‌شوندگان با هر سبکی که ازدواج کرده‌اند (مبتنی بر الگوهای سنتی، بینابینی، تعاملات دوستانه)، به نوعی درصدد احساس عشق در گزینش همسر بوده‌اند. منتها در ازدواج‌هایی که دختر و پسر با یکدیگر تعاملات دوستانه دارند، احساس عشق خیلی بیشتر نمود پیدا می‌کند و از سوی دیگر دختر و پسر که ابتدا خانواده‌هایشان با یکدیگر آشنا می‌شوند، بیشتر به عشق بعد از ازدواج اعتقاد دارند و قبل از ازدواج سعی می‌کنند به عشق فکر نکنند. به عقیده این دسته از افراد، احساس عشق قبل از ازدواج باعث می‌شود که دو طرف نقاط ضعف یکدیگر را نبینند. ولی دسته اول معتقد بودند که عشق یک پایه اصلی زندگی است و اساساً در جست‌وجوی احساس عشق بودند. در این میان، کسانی که سبک بینابینی را برای ازدواج برمی‌گزینند، ابتدا با یکدیگر آشنا می‌شوند و بعد به سرعت خانواده‌ها را در جریان می‌گذارند و در چارچوب خانواده مدت طولانی صحبت می‌کنند. این دسته نیز روابطشان کمتر برحسب عشق است و سعی می‌کنند که این حس را بیشتر کنترل کنند. دو عبارت زیر مبین مورد مطرح شده است.

زهره در این زمینه گفت:

خوب معیار من برای ازدواج اول از همه دوست داشتن بود.

مریم در این باره اظهار داشت:

توی دوست داشتن عیب‌های طرف رو می‌بینی، اما به خاطر دوست داشتن اون‌ها رو می‌پوشونی، اما توی عشق عیب‌های طرف رو نمی‌بینی.

۲. زیبایی ظاهر

یکی از معیارهای مهم برای انتخاب همسر در همه مشارکت‌کنندگان در این تحقیق، ملاک زیبایی و آراستگی بوده است. درواقع، می‌توان گفت اولین معیار برای خانم‌های مطالعه‌شده این بود که با فردی ازدواج کنند که از لحاظ ظاهری چهره درخور قبولی داشته باشد. عبارت‌های زیر مبین این معیار است.

لیلا در این مورد گفت:

من عاشقش شده بودم. من چهره‌ش رو می‌خواستم. خیلی دوستش داشتم. از چهره برنزش و برق چشم‌هاش خیلی خوشم می‌اومد. تا اون موقع اون جووری حسم درگیر نشده بود.

سحر در این باره اظهار داشت:

خیلی به ظاهر اهمیت می‌دادم. ظاهر خیلی برام مهم بود. می‌خواستم خوشگل باشه، زیبایی برام مهم بود.

۳. روابط جنسی

یکی از مباحث مهمی که در صحبت‌های دختر و پسر قبل ازدواج وجود دارد، روابط جنسی و به عبارت دیگر گرمی و سردی طبع افراد در روابط جنسی، تعداد فرزند و تربیت فرزند است. نکته درخور توجه این بود: افرادی که قبل ازدواج با یکدیگر به مدت طولانی دوست بوده‌اند و کسانی که در چارچوب خانواده با یکدیگر طولانی مدت آشنا شده‌اند در این مورد صحبت کرده‌اند. اما در این مطالعه، خانم‌هایی که با سبک مبتنی بر الگوهای سنتی ازدواج کرده‌اند کمتر در این باره حرف زده‌اند. در واقع، در این سبک ازدواج که دختر و پسر مدت کوتاهی در منزل در حضور خانواده‌ها صحبت می‌کنند، بیان مسائل جنسی قبحی دارد که باعث می‌شود کسی در مورد آن حرف نزند. طبق مطالعه انجام شده می‌توان گفت مورد اخیر می‌تواند بسیار به تداوم زندگی زناشویی آسیب بزند. دو عبارت زیر بیانگر این معیار است.

منصوره در این زمینه اذعان داشت:

کامل در مورد مسائل جنسی حرف می‌زدیم... در مورد همه چیز حرف می‌زدیم.

سمیه در این باره گفت:

... [تا روز آزمایشگاه] در مورد مسائل جنسی و سردی و گرمی و بچه اصلاً صحبت نکرده بودیم. به نظرم زشت بود.

کنترل معیار

در این گام، افراد (در این مطالعه خانم‌های متأهل) سعی می‌کنند به سه روش، معیارهایی را که در گام اول شکل گرفته‌اند کنترل کنند. این گام در سه سبک همسرگزینی (مبتنی بر الگوهای سنتی، تعاملات دوستانه و بینابینی) وجود دارد. براساس یافته‌ها می‌توان گفت که کنترل معیار چهار روش دارد که در هر سبک همسرگزینی به روش‌های زیرمعیارها کنترل می‌شود. البته ممکن است در یک سبک معیارها هم از دو یا از هر چهار روش کنترل شوند.

۱. کنترل معیار مبتنی بر گفت‌وگو

یکی از راه‌های کنترل معیارهایی که در گام نخست مطرح شده گفت‌وگو است. در واقع، دختر و پسر سعی می‌کنند از طریق گفت‌وگو، بیرون‌رفتن، صحبت کردن در فضایی غیر منزل، وجود یا عدم وجود معیارهای مطرح شده را در فرد مورد نظرشان تشخیص دهند. موارد زیر بیانگر این مورد است.

سمیرا در این زمینه گفت:

ما کلاً چهار جلسه صحبت کردیم و خیلی چیزها رو بعد از ازدواج فهمیدم.

سحر در این مورد اظهار داشت:

جریان ازدواج ما یک سال طول کشید و ما جلسات طولانی باهم حرف زدیم و مشکلاتمون رو حل کردیم.

۲. کنترل معیار مبتنی بر کندو کاوهای شخصی

یکی دیگر از راه‌های کنترل معیارها، که در مشارکت‌کنندگان در تحقیق دیده شده است، کنترل معیار مبتنی بر کندو کاوهای شخصی است. به این صورت که خانم‌های مطالعه‌شده از طریق صحبت با دوستان و آشنایان پسر یا بررسی شبکه‌های اجتماعی (اینستاگرام) که فرد مورد نظر در آن‌ها عضویت دارند، سعی می‌کنند معیارهای مورد نظرشان را بررسی کنند. این مورد نیز در هر سه نوع سبک ازدواج در این تحقیق دیده شده است. عبارت‌های زیر نشان‌دهنده این مورد است. سمیه در این باره گفت:

بهم گفت توی اینستاگرام هست. من هم رفتم توی اینستاگرام و پیجش رو نگاه کردم. توی دوستانش چند تا دختر کم‌حجاب هم بودن. یه کم ناراحت شدم، منتها بعدش حل شد...

زهرا در این مورد اذعان داشت:

واسطه آشنایی ما یکی از استاد‌های من و مرتضی بود. خیلی وقت‌ها از اون واسطه در مورد مرتضی سؤال می‌کردم و اون هم خوب راهنمایی می‌کرد، خیالم راحت تر می‌شد.

۳. کنترل معیار مبتنی بر تحقیقات خانوادگی

از دیگر راه‌های کنترل معیارها در انتخاب همسر، کنترل معیار مبتنی بر تحقیقات خانوادگی است. به این صورت که بسیاری از معیارهای مطرح‌شده در گام نخست را از قبیل شأنیت خانوادگی و تمکن مادی خانواده، خوش‌خلقی و... از طریق تحقیقات خانوادگی، رفتن به محل کار پسر از سوی پدر دختر و... قابلیت بررسی دارند. این مورد در هر سه نوع سبک ازدواج وجود دارد؛ البته در سبک مبتنی بر الگوهای سنتی ازدواج، که بیشتر خانواده‌ها مداخله می‌کنند، پررنگ‌تر است.

پروانه در این مورد ابراز داشت:

پدرم می‌رفتن با همه اعضای خانواده پسر حرف می‌زدن چندین ساعت. گاهی هم چندین جلسه حرف می‌زدن و همه چیز رو درمی‌آوردن. من خودم روم نمی‌شد حرف بزنم...

۴. کنترل معیار مبتنی بر بررسی‌های رسمی (علمی، مشاوره و آزمایش)

در این مورد، معیارها از طریق تست‌های شخصیت، مشاوره‌های فردی و گروهی و آزمایش خون و آزمایش ژنتیک بررسی می‌شوند. فاطمه در این باره اذعان داشت:

ما رفتیم مشاوره. خیلی خوب بود و بعد از اون تصمیم من جدی شد.

را حله در این باره اظهار داشت:

ما چون دختر خاله و پسر خاله بودیم، رفتیم تست ژنتیک دادیم.

انطباق یابی معیار

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، انطباق یابی معیار به این معناست که بعد از کنترل معیارها، که به چهار روش انجام می‌شود، دو طرف با سه استراتژی سعی می‌کنند معیارهای خود را با یکدیگر تطبیق دهند. معیارهای هر دو طرف در انتخاب همسر با یکدیگر متفاوت است. در این گام، دختر و پسر سعی می‌کنند با استراتژی‌های مختلف معیارهای خود را با یکدیگر تطبیق دهند تا بتوانند با یکدیگر ازدواج کنند.

۱. انطباق یابی مبتنی بر بده‌وبستان

در انطباق یابی، دختر و پسر سعی می‌کنند خواسته‌های خود را با یکدیگر هماهنگ کنند. یکی از اشکال هماهنگی این خواسته‌ها و معیارها، انطباق یابی مبتنی بر بده‌وبستان است. به این صورت که هر دو طرف معیارهای یکدیگر را می‌پذیرند و در جریان گفت‌وگو شبیه یکدیگر می‌شوند. مورد زیر مبین این نوع از انطباق یابی است.
عاطفه در این باره گفت:

ما خیلی حرف زدیم. کم‌کم شبیه هم شدیم و اون قبول کرد با حجاب من کنار بیاد و من هم حجابم رو بیشتر رعایت کردم و نماز خوندم و الان حس خوبی دارم.

۲. انطباق یابی مبتنی بر صرف نظر کردن (کوتاه آمدن)

در این نوع از انطباق یابی معیارها، هریک از دو طرف به علت علاقه‌ای که به یکدیگر دارند از بعضی معیارهای خود می‌گذرند.
را حله در این باره گفت:

اون من رو خیلی دوست داشت. ما خیلی صحبت کردیم من هرچی می‌گفتم، اون می‌گفت باشه. البته بعد از ازدواج هم بهشون عمل کرد.

عطیه در این باره اظهار کرد:

چون خیلی دوسش داشتم، پذیرفتم نماز نخونه. دیگه کنار اوادم. این به خودش ربط داره.

۳. انطباق یابی مبتنی بر اعمال نظر یک طرفه

در انطباق یابی مبتنی بر اعمال نظر یک طرفه، یکی از دو طرف دختر یا پسر (در این مطالعه خانم‌ها) به صورت یک طرفه در مورد رابطه تصمیم‌گیری می‌کنند. این مورد بیشتر در شرایطی دیده می‌شود که دختر و پسر هیچ آشنایی قبلی با یکدیگر نداشتند و اولین بار یکدیگر را در خانه و در حضور خانواده دیده‌اند. در این موارد، دختر ممکن است به علت‌های مختلف، معیارهای طرف مقابل را بپذیرد.

پروانه در این مورد اظهار داشت:

بابام اومد گفت اگه به این جواب ندی، دیگه هیچ وقت باهات خوب نمی‌شم... برام هیچ فرقی نمی‌کرد. فقط چون پدرم راضی بود، ازدواج کردم...

پذیرش (شرایط)

پس از گام انطباق‌یابی، دختر و پسر (در این مطالعه دختران) با سه استراتژی شرایط فرد مقابل خود را می‌پذیرند. این سه استراتژی نیز در هر سه سبک همسرگزینی در این مطالعه وجود دارد، منتها در هر یک از آنها یک نوع از استراتژی‌ها قدرت بیشتری دارد.

۱. پذیرش مبتنی بر علاقه

یکی از استراتژی‌های پذیرش، پذیرش مبتنی بر علاقه است. به این صورت که دختر و پسر به علت علاقه و احساس عشقی که به یکدیگر دارند، یکدیگر را به‌عنوان همسر می‌پذیرند. این مورد بیشتر در ازدواج‌هایی که دختر و پسر قبل از ازدواج با یکدیگر تعاملات دوستانه داشتند یا مدت طولانی در چارچوب خانواده با یکدیگر آشنا شده‌اند اتفاق می‌افتد. لیلیا در این باره گفت:

من ۲۷ سالگی ازدواج کردم. فشاری روم نبود. من معیارم برای ازدواج عشق بود. عشقی که تثبیت بشه و یک‌سری چیزها کاملش کنن.

۲. پذیرش مبتنی بر توافق

نوعی دیگر از پذیرش مبتنی بر توافق دختر و پسر و توافق خانواده‌ها برای ازدواج آن‌هاست. این مورد در همه سبک‌های ازدواج مطالعه‌شده در این تحقیق وجود دارد. سمانه در این زمینه گفت:

الگوهای سنتی ازدواج به نظر من ایراد داره. اگه آدم خودش مرد مورد علاقه‌اش رو انتخاب کنه خوبه. آدم از قبل اون رو می‌شناسه... توی خواستگاری سنتی این نیست...

پروانه در این مورد این‌گونه بیان کرد:

من همون یک جلسه حرف زدم و نظرمون رو به منفی بود. اما پدرم به این مورد خیلی راضی بود. پدرم گفت من هم بهتون خونه می‌دم هم ماشین، من هم گفتم باشه...

۳. پذیرش مبتنی بر عادت

پذیرش مبتنی بر عادت نیز یکی دیگر از استراتژی‌های پذیرش است. در این نوع از پذیرش، دختر ممکن است صرفاً به این علت که خانواده از او خواسته است که ازدواج کند، فرد مقابل خود را بپذیرد یا به این علت ازدواج کند که همه دختران در سنی مشخص ازدواج می‌کنند. همچنین، ممکن است علت پذیرش، عادت کردن دختر به مصاحبت با شخص مورد نظر باشد.

منصوره در این باره گفت:

پدر و مادراهامون هم بیشتر ایمان و خانه‌داری یادمون می‌دادن و می‌گفتن دختر از این سن بگذره باید شوهر کنه... دیگه ما هم قبول کرده بودیم...

گزینش نهایی

پس از پذیرش فرد مورد نظر برای ازدواج، گام بعدی گزینش نهایی است که فرد مقابل را برای ازدواج انتخاب می‌کنند. در واقع، این مرحله ناظر بر این است که افراد به شکل رسمی و اساسی فرد مقابلشان را برای همسری گزینش می‌کنند. این گزینش دو استراتژی دارد که عبارت‌اند از: گزینش فراگیر و گزینش محدود. در گام پذیرش، دو طرف ویژگی‌ها و خصایص یکدیگر را می‌پذیرند و بعد از این گام، یک گام مهم دیگر باید برداشته شود تا پذیرش به ازدواج منتهی شود که آن گزینش نهایی است.

۱. گزینش فراگیر

یکی از استراتژی‌های گزینش نهایی، گزینش فراگیر نام دارد که در این نوع از گزینش شخص (در این مطالعه زنان متأهل) یک فرد را برای همه عمر برمی‌گزینند و شرط گزینش علاقه تام و تمام است که این مورد نیز می‌تواند در همه سبک‌های ازدواج اتفاق بیفتد. فاطمه در این مورد گفت:

پدرم جلسه آخر عادت داشت از خواستگار بپرسه چقدر روی ازدواج با دخترم مطمئنی. طرف گفته بود ۹۹ درصد. بابام گفت برید صد در صد شدید، دوباره بیاین... برامون مهم بود که بفهمیم آیا من رو همیشه می‌خواد و همیشه دوستم داره یا نه...

۲. گزینش مشروط (زمانی، مادی، معنوی یا عشقی)

استراتژی دیگر گزینش، گزینش مشروط است. در این استراتژی، افراد براساس شروطی یکدیگر را برای ازدواج گزینش می‌کنند. موارد زیر نشان‌دهنده این مورد است. عاطفه در این مورد اظهار داشت:

[تصمیم آخرمون] این شد که برای ازدواجمون هر دو یه کم کوتاه بیایم. البته خودم هم علاقه‌مند شدم روزه بگیرم، نماز بخونم، روابطم رو کنترل کنم، اون هم تعدیل شده بود نظرش در مورد حجاب و بهم کار نداشت...

بحث در یافته‌ها

گزینش همسر امری اتفاقی نیست، بلکه پدیده‌ای است که تحت تأثیر عوامل مختلف و در فرایندی مشخص صورت می‌گیرد. شرایط جامعه و فرهنگی که افراد در آن زندگی می‌کنند بر

این فرایند بی‌تأثیر نیست. در واقع، هر جامعه و فرهنگی، بنا به شرایط و مقتضیات خود، محدودیت‌ها، موانع، معیارها و هنجارهایی را برای انتخاب همسر در نظر می‌گیرد. هدف از این مقاله بررسی پدیده همسرگزینی بوده است. در این مطالعه، تلاش شد که دیدگاه زنان جوان متأهل درباره پدیده همسرگزینی واکاوی و تحلیل شود. داده‌های این مطالعه با رویکرد کیفی و به‌کارگیری مصاحبه‌های عمیق با ۱۵ زن ۲۱ تا ۳۰ ساله جمع‌آوری شد.

بخشی از نتایج این مطالعه به شناسایی سبک‌های رایج همسرگزینی بین پاسخ‌گویان معطوف بود که بر مبنای آن سه سبک: سنتی- خانوادگی، تعاملات دوستانه و آشنایی در چارچوب خانواده، برای گزینش همسر مشخص شد. این یافته با نتایج تحقیقات ۳؛ ۹؛ ۱۰؛ ۱۶؛ ۱۷ تا حد زیادی همخوانی دارد. علاوه بر این، همان‌گونه که نتایج این بررسی و نیز برخی مطالعات دیگر [۳۰؛ ۳۰؛ ۱۳؛ ۶] نشان می‌دهد، طی کردن مسیری دقیق و منطقی در راستای همسرگزینی یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر ازدواج موفق و رضایت زناشویی است. براساس یافته‌های تحقیق حاضر، پدیده همسرگزینی پنج بعد یا جزء اصلی و جدایی‌ناپذیر شامل معیارسازی، کنترل معیار، انطباق‌یابی معیار، پذیرش و گزینش نهایی را دربرمی‌گیرد.

از سوی دیگر، تأکید دانیل لیتل [۲۶]، بر جریان داشتن حدی از انتخاب عاقلانه در زندگی نوع بشر به‌نحوی که از میان مواردی متعدد، موردی با بیشترین فایده و کمترین هزینه گزینش شود، در پدیده همسرگزینی نیز دیده می‌شود. بر این اساس، افراد با توجه به مجموعه‌ای از معیارها، که در طی جامعه‌پذیری کسب کرده‌اند (جدول ۳)، فردی را به همسری انتخاب می‌کنند که اکثر معیارهای مورد نظر را داشته باشند. نتایج برخی تحقیقات دیگر [به عنوان مثال: ۲۳؛ ۳۱] نیز به صورت ضمنی یا صریح نشان‌دهنده این است که موضوع همسرگزینی و تشکیل خانواده از عرصه‌های جدی در راستای تحقق حق و قدرت انتخاب و گزینش‌گری افراد است و در نتیجه در نظر داشتن هزینه‌ها و فایده‌های هر مورد برای افراد حایز اهمیت می‌شود. در نهایت، براساس نتایج این تحقیق می‌توان گفت الگوهای مختلف همسرگزینی در جامعه فی‌نفسه اعتبار یا امتیاز خاصی به هم ندارند، بلکه سازوکارها و استراتژی‌های مرتبط با هریک در جهت پیشبرد ابعاد و مراحل پنج‌گانه فرایند همسرگزینی است که می‌تواند برای یک کنش‌گر اجتماعی معین یکی از این موارد را بر دیگری ارجح کند.

منابع

- [۱] اعرابی، سید محمد؛ بودلایی، حسن (۱۳۹۰). «استراتژی تحقیق پدیدارشناسی»، فصل‌نامه علمی- پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، س ۱۷، ش ۶۸، ص ۳۱-۵۸.
- [۲] ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸). مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- [۳] آزاد ارمکی، تقی؛ زند، مهناز؛ خزایی، طاهره (۱۳۷۹). «بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول

- سه نسل خانواده تهرانی: با تأکید بر مقایسه مراسم آداب و کارکردهای حمایتی»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۱۶، ص ۲۹-۳.
- [۴] بستان، حسین (۱۳۸۳). *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- [۵] جهانگیرزاده، جواد (۱۳۷۵). «بررسی زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر شیوه همسرگزینی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه شیراز.
- [۶] حاله، حسن؛ ماکویی، احمد؛ دباغی، آزاده (۱۳۸۶). «ارائه مدل ریاضی (برمبنای تصمیم‌گیری چندمعیاره) و نرم‌افزار برای کمک به تصمیم‌گیری در خصوص انتخاب همسر»، *پژوهش زنان*، ش ۲، ص ۸۰-۵۷.
- [۷] حسین‌خانی نایینی، هادی (۱۳۸۹). «معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام»، *مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، س ۲، ش ۲، ص ۴۴-۲۱.
- [۸] حسین‌خانی نایینی، هادی؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ مه‌رام، بهروز (۱۳۹۳). «بررسی نظریه‌های همسرگزینی و نقد آن‌ها با تکیه بر منابع اسلامی و روان‌شناختی»، *مجله روان‌شناسی و دین*، س ۷، ش ۱، ص ۴۶-۳۱.
- [۹] خلیج‌آبادی فراهانی، فریده (۱۳۹۱). «تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر احتمال طلاق در بین افراد تحصیل‌کرده دانشگاهی»، *فصل‌نامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، س ۱۵، ش ۵۸، ص ۹۱-۵۰.
- [۱۰] خلیج‌آبادی فراهانی، فریده؛ شجاعی، جواد (۱۳۹۲). «نگرش دانشجویان دانشگاه‌های تهران نسبت به تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج در رضایت زناشویی»، *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۳۹۲، ش ۶۱، ص ۱۸۸-۱۴۹.
- [۱۱] رفاهی، ژاله؛ گودرزی، محمود؛ میرزایی چهارراهی، مرتضی (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج بین دختران و پسران از دیدگاه دانشجویان»، *فصل‌نامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی زنان*، س ۳، ش ۱، ص ۱۳۳-۱۱۷.
- [۱۲] ریاحی، محمداسماعیل؛ علیوردی‌نیا، اکبر؛ بهرامی کاکاوند، سیاوش (۱۳۸۶). «تحلیل جامعه‌شناختی گرایش به طلاق (مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه)»، *پژوهش زنان*، دوره ۵، ش ۳، ص ۱۴۰-۱۰۹.
- [۱۳] سادات‌مستقیم، مهدیه (۱۳۸۴). «دوسویگی عشق و ازدواج»، *کتاب زنان*، س ۷، ش ۲۷، ص ۲۵۶-۲۲۸.
- [۱۴] ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، *دایرةالمعارف علوم اجتماعی*، تهران: کیهان.
- [۱۵] _____ (۱۳۷۵)، *مقدمه بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش، ج ۲.
- [۱۶] صادقی فسایی، سهیلا؛ شریفی ساعی، محمدحسین (۱۳۹۰). «بازنمایی ازدواج در سریال‌های تلویزیونی (تحلیل نشانه‌شناختی پنج سریال ایرانی پربیننده در دو دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰)»، *فصل‌نامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش ۲۲، ص ۹۱-۶۷.
- [۱۷] عظیمی هاشمی، مزگان؛ اعظم کاری، فائزه؛ بیگناه، معصومه؛ رضامنش، فاطمه (۱۳۹۴). «ارزش‌ها،

- نگرش‌ها و الگوهای کنش جوانان در خصوص همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج؛ مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه‌های استان خراسان رضوی»، *راهبرد فرهنگ*، ش ۲۹، ص ۱۷۹-۲۱۲.
- [۱۸] غیائی، پروین؛ روستا، لهراسب؛ برابری، مرضیه (۱۳۹۰). «بررسی عوامل اجتماعی درخواست طلاق در بین شهروندان زن شیرازی»، *فصل‌نامه زن و جامعه*، س ۲، ش ۳، ص ۱۶۳-۱۸۸.
- [۱۹] فولادی، محمد (۱۳۹۳). «تحلیل جامعه‌شناختی افزایش سن ازدواج؛ با تأکید بر عوامل فرهنگی»، *معرفت فرهنگی/اجتماعی*، س ۵، ش ۴، ص ۷۷-۱۰۴.
- [۲۰] قریشی، فردین؛ شیرمحمدی، داود؛ برجوند، آوات (۱۳۹۳). «فهم عوامل طلاق از منظر مردان و زنان در معرض طلاق و طلاق‌گرفته مطالعه موردی شهر سقز»، *پژوهش‌های راهبردی/امنیت و نظم/اجتماعی*، س ۳، ش ۱، ص ۱۹-۳۰.
- [۲۱] کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۸). «سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواج‌های دانشجویی»، *فصل‌نامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، س ۴۲، ش ۱۳، ص ۲.
- [۲۲] کرایب، یان (۱۳۸۵). *نظریه اجتماعی مدرن، از پارسونز تا هابرماس*، ترجمه عباس مخبر، تهران: آگه.
- [۲۳] کلانتری، عبدالحسین؛ روشنفکر، پیام؛ جواهری، جلوه (۱۳۹۰). «مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۵۳، ص ۱۲۹-۱۶۲.
- [۲۴] گلاس، ویلیام؛ گلاس، کارلین (۱۳۸۴). *ازدواج بدون شکست*، ترجمه سمیه خوش‌نیت و هدی برازنده، مشهد: محقق.
- [۲۵] گود، ویلیام. جی (۱۳۵۲). *خانواده و جامعه*، ترجمه ویدا ناصحی (بهنام)، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- [۲۶] لیتل، دانیل (۱۳۷۳). *تبیین در علوم اجتماعی؛ درآمدی به فلسفه علم/اجتماع*، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- [۲۷] محمدپور، احمد (۱۳۹۲). *تجربه‌نوسازی مطالعه تغییر و توسعه در هورامان با روش نظریه زمینه‌ای*، تهران: جامعه‌شناسان.
- [۲۸] موحد، مجید؛ عباسی‌شوازی، محمدتقی (۱۳۸۵). «بررسی رابطه جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی- خانوادگی و مدرن در زمینه روابط بین‌شخصی دو جنس پیش از ازدواج»، *مطالعات زنان*، س ۴، ش ۱، ص ۶۷-۹۹.
- [۲۹] میرابی، سعیده؛ یوسفی، علی؛ صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۹۴). «پدیدارشناسی تجربه گناهان جنسی»، *مسائل اجتماعی ایران*، س ۶، ش ۲، ص ۱۷۳-۱۹۴.
- [۳۰] نوغانی‌دخت بهمن، محسن؛ صدیق اورعی، غلامرضا؛ سالار، علی (۱۳۹۲). «شبکه اجتماعی همسرگزینی و تأثیر آن بر رضایت از زندگی زناشویی در بین مردان متأهل»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، س ۲۴، ش ۱، ص ۱۷-۳۶.
- [۳۱] هاشمی، سید ضیا؛ فولادیان، مجید؛ فاطمی امین، زینب (۱۳۹۳). «بررسی تجربی دو نظریه رقیب همسرگزینی در ایران»، *فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره ۸، ش ۴، ص ۱۵۷-۱۸۷.
- [۳۲] یوسفی، علی؛ تابعی، ملیحه (۱۳۹۱). «پدیدارشناسی تجربی راهی برای فهم تجربه‌های دینی»، *جامعه‌شناسی تاریخی*، دوره ۴، ش ۱، ص ۷۱-۹۳.

- [۳۳] یوسفی، علی؛ صدیق اورعی، غلامرضا؛ کهنسال، علیرضا؛ مکرریزاده، فهیمه (۱۳۹۱). «پدیدارشناسی تجربی زیارت امام رضا(ع)»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۶، ش ۳ و ۴، ص ۱۸-۱۹.
- [34] Alavi, M., Alahdad, R., Shafeq, S. M (2013). "Mate selection criteria among postgraduate students in malaysia", *social and behavioral sciences* 116, PP 5075-5080.
- [35] Apostolou, M (2007). "Sexual selection under parental choice: the role of parents in the evolution of human mating", *evolution and human behavior*, 28, PP 403-409.
- [36] Groenewald, T (2004). "A phenomenological research design illustrated", *international journal of qualitative methods*, 3 (1): PP 1-26.
- [37] Khalled, Y (2005). "Mate selection in Jordan: effects of sex, socio-economic status, and culture", *Journal of social and personal relationships*, 22 (2), PP 156-168.
- [38] Ming tsay, R. and Hsueh wv, L. (2006). "Marring someone from an outside group an analysis of boundary-crossing marriages in Taiwan", *Current sociology*, vol.54. PP 165-186.
- [39] Moustakas, C, E, (1994). *Phenomenological research methods*. Thousand oks, ca: sage publications.
- [40] Samani, S. and Ryan, B, (2008). "Spouse selection: important criteria and age preferences of an Iranian sample", *Psychological reports*, 103, PP 535- 544.
- [41] Smith, J. & M. Osborn (2003). "Interpretative phenomenological analysis", in *J. Smith ualitative psychology: A practical guide to methods*. London Sage.